

N

natural language	زبان طبیعی هر نوع نظام نمادی قانونمند و قراردادی که به طور طبیعی (نه عمدی) پدید آمده و ارتباط بین اعضای یک جامعه انسانی را تسهیل می‌کند. (در مقابل زبان مصنوعی artificial language)
natural language processing	پردازش زبان طبیعی در معنای خاص آن به تحلیل تولید و فهم جملات از طریق فرایندهای رایانه‌ای گفته می‌شود. هدف عالی این تحلیل، ساختن یک الگوی رایانه‌ای از تواناییهای کلامی انسان است که هنوز به تفصیل شناخته نشده است.
network model	الگوی شبکه‌ای نظریه و الگویی برای حافظه معنایی که بر طبق آن معلومات و مفاهیم در حافظه به صورت شبکه‌ای از گره‌ها (nodes) بازنمایی می‌شوند که میان آنها پیوند (link) و ارتباط برقرار است. (نک: semantic networks) و (spreading activation)
neural chauvinism	تعصب نسبت به الگوی عصبی دیدگاهی که معتقد است فقط مغز و دستگاه عصبی قادر به شناخت هستند.
neural networks	شبکه‌های عصبی شبکه‌های نورونی، اساس ساختمان دستگاه عصبی و شناختی (خصوصاً حافظه) بر طبق نظریه پردازش توزیع موازی (نک: parallel distributed processing). مشابه این ساختار در طراحی رایانه‌ها نیز به کار می‌رود. (برای نمونه، نک: spreading activation model)
neurocognition	شناخت عصبی مطالعه رابطه بین علم اعصاب و روان‌شناسی شناختی بر پایه این فرض که مناطق خاصی از مغز مسئولیت جنبه‌های معینی از کارکردهای شناختی را بر عهده دارند.
neurology	عصب‌شناسی
neuron	سلول عصبی، نورون
neuropsychologist	عصب‌روان‌شناس
neuropsychology	عصب‌روان‌شناسی
neuroscience	علم اعصاب مطالعه ساختار و کارکرد مغز
neurotransmitter	ناقل عصبی، انتقال دهنده عصبی مواد مولکولی خاصی که وسیله انتقال تکانه از یک سلول عصبی به سلول دیگر است. مولکولهای این مواد در فضای بین دو سلول از انتهای اکسون (نک: axon) سلول اول ترشح می‌شود و بر دندریت (نک: dendrite) یا پیکره سلولی (نک: cell body) سلول دوم اثر می‌گذارد.
node	گره

network model: (نیز نك)	نقاطی در یک نمودار یا شبکه که توسط خطوط ارتباطی (links) به هم ربط یافته‌اند.
noise	صدا، محرک نامربوط در معنای خاص به محرک‌های دیداری یا شنیداری گفته می‌شود که به عنوان زمینه یا محرک فرعی یا مزاحم در کنار محرک اصلی که علامت (signal) نامیده می‌شود می‌آیند.
nondeclarative knowledge	دانش غیر اخباری دانش عملی، به خاطر سپردن روش انجام کارها، در مقابل این مفهوم معلومات اخباری (نك: declarative knowledge) قرار دارد. (نیز نك: procedural knowledge)
nondeclarative memory	حافظه غیر اخباری حافظه‌ای که از مجموعه معلومات غیر اخباری تشکیل شده است و در مقابل حافظه اخباری (declarative memory) قرار دارد. (نیز نك: procedural memory)
nonsense syllables	هجاهای بی معنا ترکیبات حرفی که معنایی ندارد و برای آزمایش یا تمرین ساخته و استفاده می‌شود.
nonverbal communication	ارتباط غیر کلامی عناصری که برای برقراری ارتباط بدون کلام به کار می‌رود و یا در ضمن ارتباط کلامی از آن استفاده می‌شود تا ارتباط و تفاهم به طور کاملتری برقرار شود، مثل تغییر تن صدا، تغییر سرعت یا لحن کلام، حرکات اعضا (چشم، سر و دست) و رعایت نوبت در گفت و گو. چنین نشانه‌هایی موجب می‌شود کلام علاوه بر جنبه اخباری دارای بار احساسی و عاطفی نیز باشد. (نیز نك: gestures)
normative argument	برهان هنجاری برهانی که می‌گوید علم شناخت عقلاً مجبور است یک رشته مفروضاتی را بپذیرد.
noun phrase	گروه اسمی یک واحد دستوری که حداقل از یک ضمیر و حداکثر از ترکیبی از عدد، اسم و صفت تشکیل یافته است.
novice problem solver	حل کننده نوآموز مسئله در علم شناخت این اصطلاح در مقابل حل کننده خبره (نك: expert problem solver) به کار می‌رود.
Nuclear Magnetic Resonance Imaging (NMRI)	ان،ام،آر،آی (نك: MRI)